

بازآرایی حقوق بنیادین انسانی در جهان

محمد پورنجف^۱

بحث و بررسی حقوق بنیادین انسانی در مفهوم جهانشمول آن نیازمند تبیین عرصه‌های گوناگون حیات انسانی در تمامی شئونات مربوطه می‌باشد. در این خصوص، مبحث «عدالت» که تداعی‌کننده توازن و رهنمون‌کننده به آرامش و تعادل در هستی است گونه‌ای از معرفت‌شناسی را هویدا می‌سازد که از منظر مصداقی تعاریف متفاوتی در جهان فوق بشری مشاهده گردیده است. در این راستا، تجزیه و تحلیل آحاد معنایی^۲ این واژه و مدلول‌شناسی آن بیان‌گر رهیافت‌هایی چند می‌تواند باشد:

- آنچه قابل طرح است این مهم می‌باشد که حقوق بشر می‌تواند و باید در جامعه‌ای که غالب مردم آن از اصول دین یا از قوانین عدالت اجتماعی پیروی می‌کنند، رعایت شود. همچون هر فرد، به عنوان شهروند یک کشور مشخص و یا انسانی دینی، مسئولیتی وجدانی دارد که به گونه‌ای رفتار کند تا حقوق انسانی‌اش بیشتر رعایت شود و از حقوق انسانی خود بهره بیشتری ببرد. موقعیت اسفناک بشر در دنیای امروز به دلیل سرپیچی فرد از آن مسئولیت وجدانی است.

- در جهان معاصر، یک فرد حقوق‌دان غربی، مانند یک فرد مذهبی مسیحی از مسئولیتی وجدانی برخوردار است تا خطراتی را که مشاهده می‌کند به جامعه خود گوشزد کند و یا از شرکت در اعمالی که با اصول بنیادین در تضاد است خودداری کند. مصداق این امر را در کشور کنیا می‌توان مشاهده نمود. در این کشور، تخلف مردم از هر

۱. دکتر محمد پورنجف، رئیس اداره امور بین‌المللی زنان pournajaf@yahoo.com

دو اصل شهروندی و مسیحیت آنقدر عمیق است که اگر قرار باشد از وقوع خطر قریب‌الوقوع جلوگیری شود، به ناچار مردم باید بازگشتی به ارزش‌های دموکراتیک ۱۹۶۳ داشته باشند. عبارت «موقعیت نخستین» در مرحله اول به جامعه‌ای با حکومت دموکراتیک اشاره می‌کند که بهره‌ورزی از حقوق، اجرای قانون، سنت‌های سیاسی، دستگاه قضایی مستقل، دستگاه قانون‌گذاری و قوه مجریه ممکن گردیده است. فرد دارای حقی غیرقابل عدول برای انتخاب اداره‌کنندگان کشور و نیز برکنار کردن آنها از قدرت است. این دیدگاهی فراگیر است و بسیاری از کشورهای جهان که چنین اصول بنیادینی را دارا بوده‌اند یا امروز دارند، در این حلقه جا می‌گیرند. حتی در مناطقی که چنین قانونی در آن اختیار شده است، ایده‌آل‌های آن به قدرت با قاطعیت به اجرا درمی‌آید.

به همین دلیل است که حتی چنین کشورهایی نیز به موقعیت نخستین بایستی بازگشت داشته باشند. هدف این گزارش در این نکته نهفته است: جوامعی که در گذشته در آن اصول بنیادین نظم برقرار بوده است، هم به آن اصول و هم به ایده‌آل‌های آن بازگشت صورت گرفته است. از سوی دیگر باید اذعان نمود در کشورهایی که هرگز چنین نظمی در آن برقرار نشده است، ظرفیت ایجاد چنین نظمی موجود است و وضعیت اسفبار امروزی آن به دلیل روگردانی مردم از ایده‌آل‌های مذهبی خود است. حتی در این کشورها نیز امکان بازگشت مفهومی، به موقعیت نخستین، موجود است. در هر کدام از انواع بازگشت، باید راه پیروی از خدا با قوانین عدالت اجتماعی بشری پیش گرفته شود. مناسب است یادداشت‌های یک حقوق‌دانان مسیحی^۱ را در این خصوص مرور نماییم:

«در سال ۱۹۸۷، وقتی در سلول خودم در «زندان نبواشا» بودم، از تلاوت آیه «سوره ۲۷ و دانیال در فصل ۶» بسیار قویدل می‌شدم. در این سوره اشاره می‌شود به کسانی که از خدا اطاعت می‌کنند و پاداش می‌گیرند. دانیال، به گمان من، یک شهروند شایسته بود و کسان زیادی قادرند از او تقلید کنند و از او پیشتر نیز برونند. همین چندی پیش، ضمن بحث در مباحث گوناگونی از مسیحیت، می‌گفتم: ایده حقوق بشر

۱. گیسون کامو کوریا، جهانشمولی حقوق انسانی.

ریشه در باور مردم جهان با این موضوع دارد که هر فرد انسانی دارای حرمت و اعتبار است و این اعتبار مرزهای قدرتمندان حاکم را در آسیب‌رساندن به وی محدود می‌کند». این دیدگاه بشری همان است که حضرت مسیح (ع) به پیروان خود در خصوص چگونه زیستن بر روی زمین آموخت. لذا مناسب است برخی مراتب حقوق بشری به‌ویژه با تمرکز بر حقوق زنان را با در نظر گرفتن مراتب فوق بررسی نماییم.

عبارت «حقوق بشر» به حقوق مشخص بنیادینی اشاره می‌کند که بنا به اعتقاد جامعه جهانی بشری، هر فرد انسانی به آنها نیازمند است. این اصول برای زندگی همگام با حرمت انسانی، ضرورت حیاتی دارند. این حقوق برپایه آن اصولی که جامعه انسانی بر مبنای آن انسان را تعریف می‌کنند بنا شده‌اند.

در این خصوص نگاهی بر برخی قواعد آمره و چگونگی اجرای آن در جهان پرتلاطم امروزی مبحثی است که نیازمند تعمق است:

۱. **کنفرانس‌های بین‌المللی حقوق بشر:** کنفرانس‌های حقوق بشر به همت سازمان ملل متحد برای رسیدگی به جنبه‌های مختلف مسائل حقوق بشر تشکیل می‌شود: نخستین کنفرانس در این زمینه تحت عنوان: کنفرانس بین‌المللی آزادی اطلاعات در ژنو از ۲۳ مارس تا ۲۱ آوریل ۱۹۴۸ تشکیل شد. پس از آن کنفرانس‌های متعددی از این نوع تشکیل شده است که منشأ تدوین و تهیه اسناد بین‌المللی متعددی بوده‌اند. از آن جمله کنفرانس تهران در خصوص حقوق بشر که از ۲۲ آوریل تا ۱۳ مه ۱۹۶۸ برای بزرگداشت سال بین‌المللی حقوق بشر^۱ تشکیل شد. کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر در سال ۱۹۹۳ در وین برگزار شد.

۲. **حقوق مادران و کودکان:** مادران و کودکان شایسته مراقبت و معاضدت ویژه‌ای هستند و کلیه کودکان نیز به حمایت اجتماعی نیازمند می‌باشند. این مطلب در ماده (۲) ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مواد ۷ و ۳۰ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، ماده (۱) ۲۴ تا (۳) ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، ماده (۷) ۱، (۸) ۱، (۱۷) ۲، (۸) ۲ و (۱۷) ۲ منشور اجتماعی اروپا، مواد (۵) ۱۷ و ۱۹ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده (۳) ۱۸ منشور آفریقایی حقوق بشر ملل آمده است.

۱. بیستین سال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر.

۳. **مقاله‌نامه حقوق سیاسی زنان:** در سال ۱۹۴۵ که سازمان ملل بنیانگذاری

شد، تنها در ۳۰ کشور از ۵۱ عضو اولیه سازمان ملل به زنان حق رأی مساوی با مردان داده شده بود. در سال ۱۹۴۶ مجمع عمومی توصیه کرد که همه دولت‌های عضو، به زنان حقوق سیاسی مساوی با مردان بدهند. در سال ۱۹۵۲ مجمع عمومی به توصیه کمیسیون زنان، مقاله‌نامه حقوق سیاسی زنان را تصویب کرد. این اولین معاهده جهانی بود که در آن دولت‌های عضو متعهد می‌شدند حقوق سیاسی به اتباع خود بدهند و این اولین بار بود که اصل مندرج در منشور ملل متحد راجع به تضمین حقوق مساوی جهت زنان و مردان در یک مسأله مشخص اعمال می‌گردید:

در مقاله‌نامه مزبور، سه اصل وجود دارد:

- زنان دارای حق رأی در انتخابات با شرایط مساوی با مردان بدون هرگونه تبعیض خواهند بود.

- زنان دارای امکان انتخاب‌شدن به کلیه مشاغل انتخابی عمومی به موجب قانون ملی در شرایط مساوی با مردان و بدون هرگونه تبعیض خواهند بود.

- زنان برای احراز تمامی مشاغل دولتی ذی‌حق بوده و در شرایط مساوی با مردان بدون هرگونه تبعیض در کلیه امور عمومی شرکت می‌نمایند.

۴. **سازمان ماده ۱۹:**^۱ سازمان ماده ۱۹، نهادی است وابسته به عفو بین‌الملل که

در مورد مسائل آزادی افکار و اندیشه فعالیت می‌کند. این سازمان، اسم خود را از ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر گرفته است. سازمان مذکور در خصوص سرکوب آزادی‌ها و افکار عمومی در عربستان سعودی در سال ۱۹۹۱ گزارشی در ۵۴ صفحه منتشر نموده است.

گزارش ماده ۱۹ سازمان عفو بین‌الملل که به نام «عربستان: سرزمین سکوت» منتشر شده در بخش اول تحت عنوان «سرکوب آزادی اظهارنظر» آورده است: «رژیم سعودی تمامی کانال‌های موجود در رابطه با اظهارنظر در خصوص رادیو و تلویزیون، مطبوعات و چاپ کتاب می‌باشد را در کنترل خود دارد. همچنین، سانسور شدیدی را نسبت به کتاب‌ها و مطبوعاتی که از خارج وارد می‌شود اعمال می‌دارد و هر کس حد و مرز تعیین شده توسط رژیم را نادیده گیرد به چندین سال زندان محکوم می‌شود».

سازمان ماده ۱۹ همچنین اعلام نموده است: «در این کشور وابستگی شهروندان عربستانی به تشکیلات سیاسی ممنوع بوده و هرکس اقدام به آن نماید به زندان‌های طویل‌المدت محکوم می‌گردد. اعتصاب، تظاهرات و حتی برپایی شعائر مذهبی که مخالف مذهب رسمی وهابیت است ممنوع می‌باشد». شیعیان در ماه محرم هر سال با مشکلات و فشار سیاسی هنگام برپایی مراسم عاشورا مواجه می‌شوند.

لذا با در نظر گرفته شدن مراتب فوق به‌ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ۱۹۵۳، میثاقین سیاسی و مدنی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ۱۹۷۶، کنوانسیون حقوق آمریکایی ۱۹۷۸ و منشور آفریقایی حقوق بشر ۱۹۸۱ بایستی نقض موارد زیر و پاسخ جهانی را در صورت فرض جهانشمولی این حقوق ارائه نمود:

- حق انسان برای اینکه زندگی‌اش از او گرفته نشود، مگر براساس قانون،^۱
 - حق برخوردار بودن از آزادی مشروع،^۲
 - حق آنکه با او مانند برده رفتار نشود و مورد رفتارهای غیرانسانی قرار نگیرد،^۳
 - حق برخورداری از حمایت قانون،
 - حق عبادت،
 - حق همگامی و همسویی،
 - حق تجمع،
 - حق آنکه مورد تبعیض قرار نگیرد،
 - حق برخورداری از حریم خصوصی و زندگی خانوادگی.
- این حقوق برای مردم در هر جایی که هستند چارچوب‌هایی را تعیین می‌کند تا یک جامعه، که توسط دولت اداره می‌شود مجاز به شکستن آن نباشد. در این راستا اشاره به دو تجربه جهانی رهگشاست. آفریقای جنوبی و هند. مردم هند به قانون اساسی در سال ۱۹۷۳ و مردم آفریقای جنوبی، پیش از دادگاه بین‌المللی ۱۹۷۰ رأی مثبت دادند. هیچ نهاد انسانی، چه قانون‌گذاری باشد، یا اجرایی و

۱. بمباران افغان‌ها، قتل‌عام کودکان عراقی و زنان فلسطینی و...

۲. ممنوعیت تحصیل زنان محجبه در کشورهای اروپایی و...

۳. زندان گوانتانامو.

یا قضایی نمی‌تواند اخلاقاً قادر به نادیده‌گرفتن اصول اخلاقی جامعه بشری مبنی بر همسانی و عدالت اجتماعی، که اصول بشر ریشه در آن دارند، باشد.

دنیای معاصر دنیایی است که در آن مردم می‌توانند ناظر باقی بمانند. بر اساس این واقعیت که چگونه در شرایط فعلی امکان نقض این حقوق ممکن است، در این حالت است که همه مردم جهان مسئولیت می‌یابند «این‌گونه کفر» را از میان بردارند. قطعنامه‌های حقوق بشر جامعه جهانی موضوعی می‌باشند که این مقاله به طور خاص خواهان پردازش آن می‌باشد. از این منظر، انتخاب افراد و اعطای جوایز بین‌المللی موضوعی است که برمبنای اندیشه نهان در اسناد حقوق بشری قابل بررسی است. موضوعی که مبحث اخلاق و کرامت انسانی در پرتو تبری یا تولی بر این اسناد، تجمیع خردورزی و دین‌مداری قابل بررسی است.

برخی جوایز حقوق بشری، انسان را به یاد راهنموده‌ایی که حضرت مسیح (ع) در شام آخر به حواریونش داد، می‌اندازد. حضرت مسیح (ع) امر به انجام کارهایی داد که به آنان همچنان که تداوم اطاعت از خویش را می‌آموخت، به معنای ساختن بهشت خداوند در روی زمین نیز بود.

بررسی بیانات «سنت لوک»^۱ در زمینه‌های مذهبی و کارکردها و نمودهای اجتماعی آن در این خصوص می‌تواند بسیار مفید واقع گردد:

«و او جام را برداشت، و شکر کرد و گفت: این را بگیرید و میان خود تقسیم کنید. به شما می‌گویم که تا آن زمان که بهشت خداوند بر روی زمین پرداخته نشود، من این شراب را نخواهم نوشید و نان را برداشت و شکر کرد و آن را تکه کرد و به آنان داد و گفت: این تن من است که در راه شما داده شده، بخورید تا مرا به خاطر داشته باشید. همچنین، پس از شام، جام را برداشت و گفت: این شهادتی دیگر از خون من که برای شما ریخته می‌شود».

در این راستا، موقعیت حقوق بشر به‌طور خلاصه به شرح زیر با تمرکز بر مراتب فوق و اسناد و معاهدات بیشتر اعلام گردیده قابل بررسی دقیق‌تر می‌باشد. به این منظور، کشورهای جهان را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود. براساس این دسته‌بندی

می‌توان گفت که هریک از کشورهای جامعه بشری امروز در یکی از این سه دسته جای می‌گیرد:

دسته اول، آن دسته از کشورها که گرچه قطعنامه حقوق بشر سازمان ملل را پذیرفته‌اند، اما نهادهای اساسی نظیر حکومت قانون، دستگاه قضایی مستقل و دستگاه حکومتی مستقل (که همه شهروندان بتوانند آزادانه رأی خود را بی‌واهمه تأملات سیاسی به آن بدهند) در آن به واقع موجود نیستند.

دسته دوم، آن کشورهایی هستند که در مرحله‌ای از حیات سیاسی کشور خود به سر می‌برند که پس از آن که به استقلال دست یافته‌اند، قطعنامه جهانی حقوق بشر سازمان ملل را پذیرفته‌اند تا اطمینان حاصل کنند که حقوق بشر در آن کشور رعایت می‌شود. به‌عنوان مثال، بسیاری از آفریقاییان، ساکنان جزایر کارائیب و کشورهای آسیایی جزو این دسته‌اند. در این کشورها می‌توان انهدام یا تضعیف این نهادها را مشاهده کرد. تلاش برای دستیابی به حقوق بشر در دل تلاش برای بازگشت یک جامعه به معصومیت موقعیت نخستین آن است.

دسته سوم، مردم کشورهایی که قطعنامه جهانی حقوق بشر سازمان ملل را پذیرفته‌اند و نهادهایی کهن دارند که از دموکراسی و حقوق بشر محافظت می‌کنند. کشورهای غربی به این دسته تعلق دارند.

چنین است که در این طبقه‌بندی ظاهراً جایزه‌ای که به مردم این دسته از جوامع داده می‌شود باعث پا گرفتن هرچه بیشتر اعتبار و حرمت حقوق بشری می‌گردد. گذشته از آنکه کشورها در کدام دسته‌ای قرار بگیرند، تجربه جامعه‌بشری چنین القا می‌نماید:

- به دلیل قابلیت انسان برای آزادی انتخاب، کشمکشی همیشگی میان خیر و شر در کار است؛ در دوره‌ای آزادی، به صورت عام پاس داشته می‌شود و سپس دوره‌ای می‌آید که آن احترام از میان برداشته می‌شود. آنچه مانع نقض بی‌رویه و گسترده حقوق بشر می‌شود، وجود نهادهایی است که تقسیم عادلانه قدرت را در میان افراد و نهادها تضمین می‌نمایند؛ کشورهایی که نهادهایی به نسبت خوب دارند، هرگز ادعا نمی‌کنند که معضل سیاسی دستیابی به عدالت اجتماعی را حل کرده‌اند. حفاظت از حقوق بشر

شامل تضمین حضور نهادهایی است که برای بهره‌وری از حقوق بشر، لازم هستند و نیز تضمین عدم انهدام و عدم تضعیف این نهادها نیز می‌شود.

- در همه کشورهای جهان، فارغ از آنکه کدام نهاد موردنظر است، شاخه اجرایی دولت تمایل به اعمال قدرتی بیشتر از آنچه براساس منطقه یا حتی براساس عملکرد قانون اساسی خوب برای آن مجاز شناخته شده است، دارد. در تجربیات اخیر کشورهای هر دودسته دوم و سوم مشاهده شده است. در جاهایی که دستگاه قضایی مستقل باشد، نهاد نظارت قضایی برای تضمین عملکرد قانونمند دستگاه اجرایی، بسیار مناسب تشخیص داده شده است؛ حمایت از حقوق بشر وابسته به قدرت دستگاه قضایی آن است.

- هر چند سیستم جهانی برای حمایت از حقوق بشر همیشه در حال پیشرفت و بهبود است، اما هنوز موارد بسیاری هست که باید به جای آورده شود تا اطمینان حاصل شود معیارهای جهانی حفظ شده‌اند.

- نظریه سلطه قانون و روابط بین‌المللی نیاز شدید به پالایش دارد تا حمایت از حقوق بشر بهتر تضمین شود. مایه تأسف است که سالیان بی‌شمار، جامعه بشری هیچ اقدامی علیه «هیتلر» و «ایدی امین» که نظریات خطرناکی در رابطه با فرمانروایی بر ملت‌ها داشتند، نکرد؛

- به دلیل تشخیص نارسایی و ناکارآمدی سیستم جهانی برای به اجرا گذاشتن اصول حقوق بشر است که بسیاری از انجمن‌ها و بنیادها در برخی از کشورها رشد کرده‌اند. با تأسف باید اذعان کرد که در کشورهایی که اصول حقوق بشر کمتر از هر جای دیگر به اجرا گذاشته می‌شود، یا هیچ انجمن خصوصی برای حمایت از حقوق بشر موجود نیست و یا این انجمن به اندازه کافی قدرت اجرایی ندارد نیازی عاجل به ایجاد چنین انجمن‌هایی در مناطقی که نبودشان به چشم می‌خورد، موجود است و در جاهایی که وجود دارند، باید راهکارهای تجربه‌شده را متحول کنند.

- در صورتی که نوع بشر یا از خدا و یا از قوانین عدالت اجتماعی بشری پیروی نکند، محکوم به زیستن در بدبختی و بی‌حرمتی است. همچنین، قوانین اجتماعی بشری می‌بایست براساس درک و دریافت نیاز عموم باشد. هیچ فردی مجاز نیست که در عمل یا در عقیده به دیگری اجازه دهد که قانونی را بنویسد و یا به اجرا درآورد که او را به استثمار درآورد. تنها قانون است که قدرت آن را دارد که مسئولیت‌هایی را مصرح کند تا

از آن اطاعت شود. اطاعت از «قانون الهی» ما را به جایی راهبری می‌کند که نیرویی سلطه‌جو که مایه رنج و خونریزی باشد، حضور نداشته باشد و باز هم با کمال تأسف درخصوص وضعیت ناخوشایند حقوق بشر باید گفت که اصول این ایده‌آل جهانی، آنچنان که باید و در ابعادی ضروری، منتشر نشده‌اند. در بسیاری از کشورهای جهان نظریه‌هایی نظیر حقانیت استبداد دولت مرکزی حاکم است و دوگانه‌انگاری‌های جوایز بگیران جهانی مشهود.

- اطاعت شهروندان از حکومت خداوند چیزی است نظیر اطاعت شهروندان از یک دولت امروزی، هر دو مسئولیت دارند به شیوه‌ای عمل کنند که راه پیشرفت نوع بشر را بگشایند؛ این واقعیت که بسیاری از مردم جهان چنین عمل نمی‌کنند به معنای معتبر نبودن این نظریه نیست.

دریافت بشر امروزی در ارتباط با بازآرایی حقوق بشر در دو بند بنیادین زیر تبیین می‌گردد:

- موفقیت‌های یک کشور حاصل وفاداری عمیق به بخش بزرگی از تاریخ ملت به نهادهایی است که در بستر هنجارهای دینی با کارکردهای امروزی پایه‌گذاری شده باشند. موفقیت‌های بیشتر تنها در صورتی به دست خواهد آمد که این نهادها را حفظ کنیم و قدرت ببخشیم.

- نهادهایی که تفسیر حقوق بشر را بر مبنای آموزه‌های دینی با قرائت‌های امروزی ارائه نمایند و هنجارهای بین‌المللی را در پرتو دین تفسیر نمایند و از یک‌سونگری این هنجار و تهی‌سازی مذهب پرهیز نمایند. در بستر این معرفت دینی است که رستگاری بشری می‌تواند متجلی گردد.

منابع

۱. گیبسون کامو کوریا، جهانشمولی حقوق انسانی، تیر ۱۳۸۸.
۲. جان راول، مفهوم عدالت انسانی در موقعیت نخستین، ویکی‌پدیا.
۳. ب. آقایی، فرهنگ حقوق بشر.
4. In cyclopedia of Human Rights P. C. Sinba 2002.
5. Between Light and Shadow: The World Bank, the International Monetary Fund and International Human Rights Law, Mac Daitow, 2003.
6. Globalizing democracy and Human Rights, Carol, C. Gould 2006.

7. Human Rights and Prisoners, OHGHR 2005.
8. Human Rights and Policing, Ralph Crawshaw, Barry Devlin, Tom Williamson, 1998.
9. Child Solider Report, Global Report 2008.